

تشانوڪ

چستان و معما

گردآوری: علی فروزش



سرشناسه: فروزش، علی، ۱۳۵۲-، گردآورنده
 عنوان و نام پدیدآور: تشاتوک: چیستان و معما/ گردآوری علی فروزش.
 مشخصات نشر: بجنورد: انتشارات بیژن یورد، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۹۰ ص. : جدول؛ ۱۴/۵×۲۱ س.م.
 شابک: ۱۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۴۵-۲۰۵
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتاب حاضر شامل چیستانهای کردی کرمانجی و پاسخ آنها به همراه ترجمه فارسی
 و توضیحات به زبان فارسی است.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۹۰.
 عنوان دیگر: چیستان و معما.
 موضوع: چیستانهای کردی
 Riddles, Kurdish
 موضوع: ادبیات عامه کردی — ایران
 Folk literature, Kurdish -- Iran
 موضوع: کرمانجی
 موضوع: Korman dialect
 رده بندی کد: ۲۵۶
 رده بندی دیویی: ۸۲۰۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۴۱

بجنورد: خیابان طالقانی غربی طالقانی ۴۵ پلاک ۳ طبقه ۲+

تلفن: ۰۹۱۵۱۸۸۲۴۹۹ - ۰۹۱۵۱۸۴۷۱۳۷

عنوان: تشاتوک (چیستان و معما)

مولف: علی فروزش

ناشر: بیژن یورد

سال و نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

چاپ: مهتاب

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۴۵-۰۵-۲

درود بی‌پایان بر یاران همراه، حافظان بی‌ادعای زبان مادری و هم‌زبان‌های فرهیخته‌ی گرد در سراسر عالم هستی. همان‌گونه که مستحضرید بخش عمده‌ای از ادبیات شفاهی نیاکان ما، در روزگاری نه‌چندان دور، به‌صورت تشتانوک یا چیستان، حکاکی‌ها و -لاوری‌های سرداران گرد، بوده که در میان مردم سینه‌به‌سینه می‌چرخید و کودکان و نوجوانان کرمانج با شور و شغف خاصی در حلقه بزرگان ایل و طایفه در شب‌های بلند روستا گرد هم جمع و شب را به قصه‌گویی و طرح چیستان‌های جذاب و پرمحتوا پررنگ و زاب سیاه شب را به فردایی روشن گره می‌زدند، آنگاه در کمال آرامش و مهربانی، کتاب نانوشده و پررمزوراز نیاکان خویش را عاشقانه ورق زده و به‌مرور خاطره‌ها می‌پرداختند تا آنچه با گذشت زمان پای مردم عشایر و آبادی به شهر باز شد و از لحظه‌ای که با قاب حادثه‌ی تازی‌بودن آشنا شدند آداب و رسوم خویش را در هیاهوی زندگی پر زرق و برق شهری به دست فراموشی سپرده و موجب کم‌رنگ‌تر شدن آداب و رسوم و حتی باعث زوال تدریجی این ادبیات شفاهی گردیدند.

سروران گران‌قدر:

تشتانوک یا چیستان؛ صرفاً یک معما یا بازی و سرگرمی نیست بلکه بخش مهمی از ادبیات شفاهی (فولکلور) نیاکان ماست که سینه‌به‌سینه و نسلاً به‌نسلاً به ما، به ارث رسیده و بایستی با دل‌وجان به حفظ و حراست از آن بپردازیم.

تشتانوک‌های کرمانجی یا بهتر بگویم سخنان پر رمز و رازی که گرمابخش محفل زندگی نیاکانمان بود، همان گنجینه‌های بی‌همتا و بی‌نظیری هستند که پیشینه‌ای به بلندای

تاریخ داشته اما در کمال ناباوری در صندوقچه اسرار نیاکانمان محبوس و به دست فراموشی سپرده شده و کمتر کسی سراغی از آن‌ها می‌گیرد.

این گنجینه‌ها و کتاب‌های نانوشته، نیاز به نگاهی ویژه از جانب مسئولین ذی‌ربط دارند تا با حمایت از ناشران و نویسندگان کرمانج، دگر بار ادبیات فولکلور اصیل ایرانی مهمان کانون گرم خانواده‌هایمان گردد و شاهد شکوفایی، رشد و بالندگی درخت عشق، امید و خودباوری در ایران عزیز و خراسان بزرگ باشیم.

هم‌زبان و دوست فرهیخته:

آیا وقت آن نرسیده که قلم به دست گرفته و دل به دریای بیکران فرهنگ، اصالت و تمدن چند هزار ساله ویش زده و زلف پریشان داستان‌های کهن، ضرب‌المثل، چیستان و لالایی‌های سراینده دانا، عشق و محبت شانه زینم و آنچه را که از آبا و اجداد خویش به یادگار داریم، محترماً برده و رشته تحریر درآوریم؟

به‌راستی حیف نیست که به ادگی و گذرا از کنار این گنجینه‌ها بگذریم و گنج‌های نهفته در سینه بزرگان را سیاه خاک سپرده و آن‌ها را ثبت و ضبط نکنیم چرا که مرگ آرام فرهنگی یعنی نابودی یک میراث عظیم بشری، لذا برادرانه تقاضا دارم از لحظه به لحظه زندگی بزرگان درس گرفته و تمامی اطلاعات شفاهی این عزیزان را ثبت و ضبط نموده تا نسل آتی را از نعمت عبادت و فرهنگ محروم نسازیم. باید یادمان نرود که هویت ما زبان مادری ماست و اصالت فرهنگ ما در جیب لباسی است که بر ایمان دوخته‌اند و ریشه ما در گرو آداب و رسوم است که از آن ماست. بیایید با ثبت و ضبط دلتوشته‌ها، داستان‌ها، اشعار و چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌های کرمانجی، وارثان خوبی برای گذشتگان و والدین بهتری برای نسل آینده باشیم و سلام آخر اینکه لازمه ماندگاری، ثبات و پیشرفت زبان و فرهنگ، ترویج و رشد آن‌هاست.

شما فرهیخته گرانقدر نیز می‌توانید با پیشنهاد و انتقادهای سازنده خود، باعث رشد و ترویج فرهنگ نیاکان و افتخار و بالندگی زبان مادری خویش باشید و چنانچه

ایراد و اشکالی در کار تایپ و ترجمه ملاحظه فرمودید بر بنده ببخشایید و در صورت امکان پیشنهاد و یا انتقادهای سازنده خویش را منعکس تا در چاپ‌های بعدی مدنظر قرار گیرد.

آنچه در این چند سطر به اختصار بیان شد، دلایلی آشکار برای جان بخشیدن به آداب و رسوم فراموش شده و نیز روشن نگه داشتن مشعل فرهنگ و هویت ماست و با نشر چنین آثاری، می‌توان جاده فرهنگ و اصالت را برای نسل آتی هموارتر کرد تا آنان در باغش و امیدی وافر و آگاهی لازم در این راه گام بردارند، بی‌گمان هیچ میراثی گران‌بازتر از کتاب و هیچ سرمایه‌ای باارزش‌تر از فرهنگ و اصالت نیست چراکه کتاب، مایه آراش روح و آفتاب آدمی ست و انسان را از اندوه دور و از تنهایی درمی‌آورد و ریشه و اصالت را بیانگر است ماست، لذا امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند دانائی و فردایی روشن هستیم و ادمان خود که هرکدام از ما باید صدای اصالت و آئینه تمام نمای فرهنگ خویش باشیم، چرخه هرت و ماندگاری ما درگرو خودباوری ماست و برای خودباوری باید به «شاه جهان» تکیه کرد و آغوش خویش را به روی «مخ» های همیشه بیدار و تا ابد سبز دامنه هزار مسجد خلیل گشود تا آن‌ها نیز در تنهائی خویش احساس غربت نکنند.

پیشاپیش عذرخواهی حقیر را بابت طرح برخی - بی‌سابقه - که صادقانه اما بی‌پرده بازگو شده، پذیرا باشید و به بزرگواری‌تان حقیر را عفو فرموده و مردم به ذکر است که چیستان‌های مطرح شده در این مجموعه، مربوط به گُردزبان‌های شمال خراسان به‌ویژه مردم باصفای شیروان، گُردزبان‌های غیور ایل کیکانلو و مردم خون‌گرم و مهمان‌نواز دهستان سیوکانلو بوده و ممکن است گویش مردم این منطقه با سایر مناطق کردنشین کمی متفاوت باشد که این امری طبیعی ست، امید می‌رود کتاب پیش رو اندکی از روح

تشنه شما را سیراب و گل لبخند را به قلبتان هدیه نماید چرا که خنده بزرگ‌ترین اسلحه در جنگ زندگی ست و امیدوارم همیشه مسلح باشید.

در پایان از همدلی و مساعدت مردم فرهنگ دوست زادگاهم قلعه بیگ و اهالی باصفای قلعه حسن و سایر دوستان فرهیخته گرد، به‌ویژه سرکار خانم گلی شادکام و آقایان شیرکوه پهلوانی، احمد آقاسیان و سهراب ارزمانزاده بیگ و همراهی گل‌های بوستان عشق و امیدم (سارا، سیما و ژینا فروزش) و حمایت همسر بزرگوارم، کمال تشکر و قدردانی را دارم که در این مسیر پریچ‌وخم، مشوق و یاورم بودند تا این مجریعه وزین و زیبا، به بهترین شکل ممکن، تقدیم شما فرهنگ دوستان و حامیان زبان مادری گردد.

پژمرده‌ایم، نه آن کتاب نیست خشکیده است ریشه و تقصیر آب نیست
با ناخدای جهل به ساحل نمی‌سیم وقتی مجال خواندن شعر و کتاب نیست

با کمال احترام و سپاس: بی. فروزش